

در حلقهٔ محرمان راز

ابراهیم شفیعی سروستانی

او با وجود آن سسی نفر هیچ هراسی ندارد. چه خوب جایگاهی است [مدینه] طیبه.»

از این روایت برمی‌آید که در دوران غیبت، حداقل سسی نفر در خدمت امام مهدی (ع) هستند و آن حضرت را یاری می‌کنند. در روایت دیگری که از آن بزرگوار نقل شده است، ایشان به ترکیب یاران آن حضرت اشاره کرده، می‌فرماید: «سیصد و اندی به عدد اهل بدر، بین رکن و مقام با قائم بیعت می‌کنند. در میان آنها، برگزیدگان (نجبا) از اهل مصر، مردان صالح و پرهیزکار (ابدال) از اهل شام و نیک مردان (اخیار) از اهل عراق وجود دارند.»^۲

اگرچه این روایت دربارهٔ زمان ظهور است، ولی از برخی کلمات بزرگان می‌توان استفاده کرد که همین گروه‌ها در دوران غیبت هم در خدمت آن حضرت هستند.

شیخ کفعمی (ره) در حاشیهٔ کتاب «المصباح» خود در شرح بخشی از دعای «ام داوود» که در آن از «اوتاد» و «ابدال» سخن به میان آمده است،^۳ مطلبی نقل می‌کند که در زمینهٔ پرسش مورد نظر ما بسیار راهگشاست.

یکی از پرسش‌های مطرح دربارهٔ امام مهدی (عج) این است که آیا آن حضرت در دوران غیبت یاران و همراهانی دارد یا خیر؟ در پاسخ این پرسش باید گفت: از برخی روایات و سخنان دانشوران بزرگ شیعه چنین برمی‌آید که در این دوران، گروه‌های برگزیده‌ای از مؤمنان راستین، مسئولیت یاری امام عصر (ع) و انجام دستورهای ایشان را برعهده دارند.

برای روشن‌تر شدن این موضوع، ابتدا به برخی از این روایت و سخنان اشاره می‌کنیم و در ادامه نیز به بررسی طبقات مختلف یاران آن حضرت می‌پردازیم.

۱. بررسی روایات و سخنان علمای شیعه

در روایتی که از امام محمد باقر (ع) نقل شده است، در این زمینه چنین می‌خوانیم: «صاحب این امر [امام مهدی (ع)] ناگزیر از کناره‌گیری است و او در [زمان] کناره‌گیری خود ناگزیر از [داشتن] نیرو و توانی است.

شده‌اند که شمار آنها ۴ یا ۷ یا ۴۰ تن هستند که بر خلق موسی(ع) و یا بر قلب جبرئیل خلق شده‌اند و یا دارای یقینی همچون یقین ابراهیم(ع) هستند که به برکت ایشان باران می‌بارد و بلا از زمین دور می‌شود و مردم به واسطهٔ ایشان روزی می‌یابند ...

ابن عربی گاهی الیاس، عیسی، ادریس و خضر(ع) را از اوتاد معرفی می‌کند که با جسم خود در دنیا حضور دارند.^۹

در مورد ویژگی‌های اوتاد، مطالب گوناگونی در روایات و سخنان بزرگان نقل شده است که از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

در قسمتی از «حدیث معراج» خدای متعال، خطاب به رسول گرامی اسلام(ص) می‌فرماید:

«ای احمد! می‌دانی به خاطر چه چیز تو را بر دیگر پیامبران برتری دادم؟» رسول گرامی اسلام عرض می‌کند: به خدا سوگند، نه. پس خداوند می‌فرماید: «به خاطر [نوع] آفرینش، خوش خلقی، بخشندگی و مهربانی نسبت به مردمان. این چنین هستند اوتاد زمین و کسی از جملهٔ اوتاد نمی‌شود مگر به واسطهٔ وجود این صفات.»^{۱۰}

امام علی(ع) در یکی از خطبه‌های خود در وصف اوتاد می‌فرماید:

«ای بندگان خدا! دوست داشتنی‌ترین بندگان خدا بنده‌ای است که خداوند وی را علیه نفس یاری دهد. پس اندوه را شعار خود سازد و خوف از عذاب را تن پوش خویش، از این رو چراغ هدایت در دلش افروخته و برای روز قیامت خود توشه‌ای مهیا کرده، مرگی را که دیگران دورش می‌پندارند نزدیکش انگاشته، تن به سختی‌ها سپرده، نگر بسته و نیکو نگریسته، خدا را یاد کرده و فراوان یاد کرده ...

به مرحله‌ای از یقین رسید که چهرهٔ یقین را که چون آفتاب تابان بود مشاهده کرد. خود را وقف برترین کارها یعنی فرمان خدا کرد تا هر وظیفه که بر عهدهٔ اوست به انجام رساند و هر فرعی را به اصلش باز گرداند ...

او یکی از معادن دین و اوتاد زمین است. خود را ملزم ساخته به داد رفتار کند و نخستین گام در این راه نفی هواهای نفسانی است از خود...»^{۱۱}

همواره پنج گروه از اولیا در محضر آن ولی مطلق به سر می‌برند و در خدمت ایشان از جان و دل می‌کوشند. اینان اوتاد، نجبا، نقبا، رجال الغیب و صلحا هستند.

ایشان می‌گویند:

«گفته شده است زمین هرگز از [یک] قطب، چهار نفر از اوتاد، چهار نفر از ابدال، هفتاد نفر از نجبا و سیصد و شصت نفر از صالحان خالی نمی‌ماند. پس قطب همان مهدی است که درود خدا بر او باد. اوتاد هم کمتر از چهار نفر نخواهند بود؛ زیرا جهان مانند خیمه‌ای است و [امام] مهدی مانند عمود این خیمه و اوتاد طناب‌های آن هستند. البته گاهی اوتاد از چهار نفر هم بیشتر می‌شوند. ابدال بیش از چهار نفر، نجبا بیش از هفتاد نفر و صالحان بیش از سیصد و شصت نفرند. چنین به نظر می‌رسد که خضر و الیاس از اوتاد و پیوسته پیرامون قطب هستند.»^۴

گفتنی است، محدث نوری^۵ و شیخ عباس قمی^۶ نیز در کتاب‌های خود این مطلب را از شیخ کفعمی نقل کرده‌اند.

حضرت آیت الله ناصر بنوری نیز دربارهٔ گروه‌های مختلف یاران امام عصر(ع) می‌فرماید:

«همواره پنج گروه از اولیا در محضر آن ولی مطلق به سر می‌برند و در خدمت ایشان از جان و دل می‌کوشند. اینان اوتاد، نجبا، نقبا، رجال الغیب و صلحا هستند.»^۷

۲. گروه‌های مختلف یاران امام مهدی(ع)

از روایات و سخنان یاد شده دانستیم که یاران امام مهدی(ع) در دوران غیبت، همه در یک سطح نیستند و به گروه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. در اینجا به اجمال هر یک از این گروه‌ها را بررسی می‌کنیم:

الف) اوتاد

«اوتاد» جمع «وَتَد» یا «وَتَدَد» و در اصل به معنای تکه چوب یا فلزی بوده است که برای بستن طناب خیمه در زمین فرو می‌کرده‌اند و موجب پایداری و استواری آن می‌شده است. با توجه به این معنا، در زبان عرب به هر چیز که مایهٔ پایداری و استواری چیز دیگری می‌شود، اوتاد گفته می‌شود. چنان که کوه‌ها را اوتاد زمین، دندان‌ها را اوتاد دهان و رؤسا و بزرگان را اوتاد شهرها می‌نامند.^۸

در «دائرة المعارف بزرگ اسلامی»، اوتاد این گونه معرفی شده‌اند:

«اوتاد در لغت به معنی میخ‌هاست. در قرآن کریم از کوه‌ها به عنوان اوتاد ارض یاد شده است که در کتب روایات آن را به گروه‌های مختلف اولیا تعبیر و تفسیر کرده‌اند. در روایات شیعه واژه اوتاد گاه به پیامبر(ص) و ائمهٔ دوازده‌گانه(ع) و گاه به گروهی از اولیا اطلاق شده است که در سلسله مراتب ابدال و عباد و سیاح قرار دارند و از محبوبترین بندگان خدا هستند ...

در روایات صوفیه اهل سنت اوتاد گروهی از اولیا شمرده

اثمه(ع) بوده است. اهل سنت نیز روایاتی نقل کرده‌اند که در آنها ویژگی‌هایی برای ابدال به دست داده‌اند. از علی(ع) نقل کرده‌اند که گفت: ابدال، که شماره آنان چهل نفر است در شام هستند، هرگاه یکی از آنان وفات کنند، خداوند یک تن دیگر را جایگزین او می‌کند.

خداوند به برکت وجود آنان باران بر زمین می‌باراند و به سبب آنان مسلمانان بر دشمنان پیروز می‌گردند و عذاب الهی از اهل شام برداشته شود.^{۱۵}

برخی اهل تحقیق نیز ابدال را این گونه تعریف کرده‌اند:

«در نظام صوفیه، یکی از طبقات اولیا و خاصان خدا که مردم آنها را نمی‌شناسند و به همین جهت رجال الغیب نیز خوانده می‌شوند.»^{۱۶}

در روایاتی که از پیامبر اکرم(ص) نقل شده، ویژگی‌های متعددی برای ابدال برشمرده شده است که از آن جمله می‌توان به راضی بودن به قضای خداوند، صبر بر محارم خدا، خشمگین شدن برای خدا، بخشش و گذشت، احسان به کسانی که در حق آنها بد کرده‌اند، مواسات، جود و سخا و خیرخواهی اشاره کرد.^{۱۷}

در یکی از این روایات ابن مسعود از پیامبر گرامی اسلام(ص) چنین نقل می‌کند:

«پیوسته چهل نفر از امت من هستند که قلب‌هایشان همانند قلب حضرت ابراهیم است. خداوند به وسیله آنها بلاها را از اهل زمین دور می‌گرداند که به آنان ابدال گفته می‌شود. سپس رسول خدا فرمود: بدانید که اینان هرگز این مقام را از خواندن نماز و گرفتن روزه و پرداخت صدقه به دست نیاورند. عرض کردند: ای رسول خدا! پس به چه چیز به این مقام رسیدند؟ پیامبر فرمود: «به وسیله جود و بخشش و خیرخواهی برای مسلمانان.»^{۱۸}

همچنین در مورد جایگاه و مرتبه ابدال گفته‌اند: «ابدال از نظر مراقبه، در مرتبه‌ای پایین‌تر از اوتاد قرار دارند و گاه از آنان غفلت سر می‌زند، ولی با یاد کردن از خدا آن را جبران می‌کنند. و عمداً از آنها گناهی سر نمی‌زند.»^{۱۹}

گفتنی است در مورد تعداد ابدال روایات متفاوتی نقل شده است. حداقل تعداد نقل شده در روایات سی نفر و حداکثر آنها هشتاد نفر است.^{۲۰}

شیخ کفعمی(ره) نیز اوتاد را این گونه توصیف می‌کند: «آنها گروهی هستند که یک چشم بر هم زدن هم از پروردگارشان غافل نمی‌شوند و از مال دنیا مگر به اندازه لازم و ضروری جمع نمی‌کنند و لغزش‌های بشری از آنها سر نمی‌زند در آنها عصمت شرط نشده، ولی در قطب شده است.»^{۱۲}

ب) ابدال

«ابدال» از نظر لغوی جمعی بَدَل، بدل یا بدیل به معنای جانشین و نیز به معنای کریم و شریف است.^{۱۳}

علامه فخرالدینی طریحی (م ۱۰۸۵ ق.) درباره معنای اصطلاحی «ابدال» می‌نویسد:

«ابدال گروهی از صالحان هستند که هرگز جهان از وجود آنها خالی نمی‌ماند. هرگاه یکی از آنها بمیرد، خداوند فرد دیگری را به جای او قرار می‌دهد. در [کتاب] قاموس آمده است: «ابدال گروهی هستند که خداوند به وسیله آنان زمین را برپا می‌دارد. آنها هفتاد نفرند؛ چهل نفر در شام و سی نفر در دیگر سرزمین‌ها. یکی از آنها نمی‌میرد مگر اینکه به فرد دیگری از مردم جایگزین او می‌شود.»^{۱۴}

در برخی منابع در معرفی ابدال چنین آمده است: «این اسم بر جمعی از بندگان خاص خدا اطلاق می‌شود که در میان اولیا دارای مرتبتی مخصوص بوده‌اند. تعداد ابدال ثابت و معین است و هرگاه عمر یکی از آنان به پایان رسد، فرد دیگری از طبقه فروتر اولیا جایگزین او می‌گردد. درباره وجه تسمیه این گروه به ابدال اختلاف است. به موجب برخی از روایات شیعه اینان از آن رو که جانشینان انبیا شمرده می‌شوند، ابدال نامیده شده‌اند. بعضی گفته‌اند که چون تعداد ابدال ثابت است و به محض درگذشت یکی از آنان، فرد دیگری جانشین او می‌گردد، چنین نامیده شده‌اند. گاه نیز گفته شده است که چون آنان می‌توانند به هنگام ضرورت صورتی مثالی و یا شخصی روحانی را به عنوان بدل به جای بگذارند و جایگاه خود را ترک کنند، ابدال خوانده شده‌اند ...

در روایات و ادعیه شیعه این کلمه گاه بر اوصیای پیامبر اسلام(ص) که خداوند آنان را بدل و جانشین انبیا قرار داده، اطلاق شده است و گاه مراد از آن اصحاب خاص

ابدال گروهی از صالحان هستند که هرگز

جهان از وجود آنها خالی نمی‌ماند. هرگاه یکی

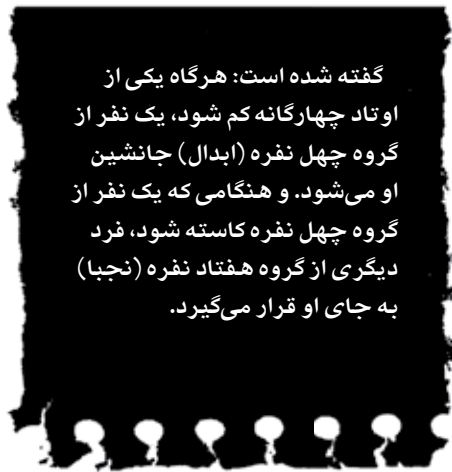
از آنها بمیرد، خداوند فرد دیگری را به جای او

قرار می‌دهد. در [کتاب] قاموس آمده است: ابدال

گروهی هستند که خداوند به وسیله آنان زمین

را برپا می‌دارد. آنها هفتاد نفرند





«نقبا، در اصطلاح صوفیه، کسانی هستند که بر خفایای باطن مردم اشراف دارند و خفایای ضمائر مردم بر ایشان آشکار است، چه پرده‌ها از برابر چشم باطن ایشان برداشته شده است و ایشان سیصد تن هستند. [آنها] از اصناف اولیا و رجال الغیب باشند که مأمور دستگیری بندگان خدایند.»^{۳۰}

و) رجال الغیب

برخی علمای لغت، رجال الغیب را این گونه معنا کرده‌اند:
 «گروهی از مردان خدا که از نظر مردم دنیا پوشیده‌اند و جهان به وجود ایشان قوام دارد.»^{۳۱}
 نویسنده کتاب «معارف و معاریف» نیز در تعریف این واژه می‌نویسد:
 «رجال الغیب یا نجبا هفت تن‌اند که در عالم پراکنده و از دید همگان پنهان‌اند.»^{۳۲}
 با توجه به مطالب یاد شده شاید بتوان گفت که رجال الغیب همان ابدال یا نجبا هستند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. محمد بن یعقوب الکافی، ج ۱، ص ۳۴۰، شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۰۲؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳، ح ۶.
۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴، ح ۶۴.
۳. در بخشی از این دعای شریف که از امام صادق (ع) نقل شده و از اعمال روز نیمه رجب به شمار می‌آید، چنین آمده است: «اللهم صل علی الأبدال و الأوتاد و السیاح و العباد و المخلصین و الزهاد و أهل الجهد و الإجتهد و...؛ خدا یا بر ابدال، اوتاد، روزه‌داران، عبادت‌کنندگان، مخلصان، زاهدان و اهل کوشش و تلاش ادر راه اطاعت خدا درود فرست و...» (شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، اعمال نیمه رجب و دعای ام داوود).
۴. ابراهیم بن علی کفعمی، المصباح، قسم، الرضی و زاهدی، ۱۴۰۵ ق. ص ۵۳۴.

ج) نجبا

نجبا جمع «نجیب» در لغت به معنای مردمان نجیب و اصیل و بزرگزاده و گرمای گوهر است و در اصطلاح صوفیه بر چهل مرد که مأمور اصلاح احوال مردم و حمل انقال آنها و متصرف در حقوق خلق هستند، اطلاق می‌شود.^{۳۱}

در «فرهنگ معارف اسلامی»^{۳۲} و «دایرة المعارف معارف و معاریف»^{۳۳} نیز بر همین معنا تاکید شده است. نجبا از نظر جایگاه و مرتبه معنوی در درجه‌ای پایین‌تر از ابدال قرار دارند.^{۳۴}

د) صلحا (صالحان)

صلحا، جمع «صلیح»، به معنای صالح است.^{۳۵} این واژه در بر گیرنده عموم انسان‌های شایسته‌ای است که به وظایف و تکالیف شرعی خود عمل و از گناهان پرهیز می‌کنند.

شیخ کفعمی درباره این گروه می‌نویسد:

«صالحان، مردمان پرهیزکاری هستند که به صفت عدالت آراسته شده‌اند. گاه از آنان گناه سر می‌زند، ولی با طلب آموزش و پشیمانی آن را جبران می‌کنند. خدای تعالی می‌فرماید: «در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه‌های از جانب شیطان بدیشان برسد [خدا را] به یاد آورند و بناگاه بینا شوند.»^{۳۶} و ^{۳۷}

گفتنی است، شیخ کفعمی (ره) پس از بیان مراتب چهارگانه یاد شده، اضافه می‌کند:

«گفته شده است: هرگاه یکی از اوتاد چهارگانه کم شود، یک نفر از گروه چهل نفره (ابدال) جانشین او می‌شود. و هنگامی که یک نفر از گروه چهل نفره کاسته شود، فرد دیگری از گروه هفتاد نفره (نجبا) به جای او قرار می‌گیرد. و اگر یکی از گروه هفتاد نفره از دست برود، به جای او کسی از گروه سیصد و شصت نفره (صالحان) گذاشته می‌شود. و در صورتی که یکی از این گروه سیصد و شصت نفره کم شود، شخصی از سایر مرد جایگزین او می‌شود.»^{۳۸}

افزون بر گروه‌های چهارگانه یاد شده، در کلمات برخی بزرگان به عناوین دیگری برای گروه‌های مختلف یاران امام زمان (ع) اشاره شده است که به نظر می‌رسد با گروه‌های قبلی هم‌پوشانی داشته باشد. عناوین این گروه‌ها به قرار زیر است:

ه) نقبا (نقیبان)

نقبا، از نظر لغوی، جمع «نقیب» به معنای سالار، پیشوا، رئیس، سرپرست گروه، سردسته، بزرگ‌تر و کسی است که معرفت به احوال مردم داشته باشد.^{۳۹}

در «لغت‌نامه دهخدا» در بیان معنای اصطلاحی نقبا چنین آمده است:



عیدی به والدین محمد وحیدی

بخشی از حقوق پدر و مادر بر فرزند آن است که پس از مردن آنان بدهکاری‌هایشان را بپردازد و نذرهایی را که وفا نکرده‌اند وفا نماید و کاری که سبب سب و لعن و ناسزاگویی مردم به آنان باشد انجام ندهد. پس زمانی که چنین کرد جزو نیکوکاران به پدر و مادر محسوب می‌شود، اگرچه در زمان زنده بودن آنان عاقل آنان باشد و اما اگر بدهی آنان را نپردازد و نذرهای آنان را وفا نکند و سبب ناسزاگویی دیگران را به پدر و مادر فراهم سازد عاقل آنان خواهد شد اگرچه در زمان زنده بودن آنان به آنها احسان کرده باشد.^۱

۵. میرزا حسن نوری، جنة المأوی، مندرج در: بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۰۱.
۶. شیخ عباس قمی، سفینة البحار، چاپ اول، دارالاسوة، ۱۴۱۴ ق، ج ۷، ص ۳۲۷.
۷. آب حیات: مجموعه سخنرانی‌های حضرت آیت الله ناصری در مورد امام زمان(ع)، گردآوری: مجید هادی زاده، چاپ چهارم: قم، خُلق، ۱۳۸۶، ص ۳۵۹.
۸. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول: تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۰، ج ۱۰، ص ۴۱۰، همچنین رک: لغتنامه (دهخدا)، ج ۳، ص ۳۶۲۰، ماده اوتاد؛ سید مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف: دایرة المعارف جامع اسلامی، چاپ سوم: تهران مؤسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۷۹، ج ۲ ص ۶۳۷.
۹. رک: محمد مرتضی الزبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ اول: بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق، ماده «وتد»؛ فخرالدین الطریحی، مجمع البحرين، تهران، المكتبة المرتضوية، ۱۳۸۶ ق، ج ۳، صص ۱۵۳ و ۱۵۴.
۱۰. شیخ حر عاملی، الجواهر السنیة فی الأحادیث القدسیة، قم، مكتبة المفید، ص ۲۰۰.
۱۱. نهج البلاغه، ترجمه: محمد مهدی فولادوند، چاپ سوم، تهران، صائب، ۱۳۸۴، صص ۹۸ و ۹۹.
۱۲. المصباح، ص ۵۳۴؛ همچنین رک: بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۰۱.
۱۳. رک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۱، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۵، ص ۳۱۹.
۱۴. مجمع البحرين، ج ۱، ص ۳۱۹.
۱۵. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۳۸۴، همچنین رک: لغتنامه (دهخدا)، ج ۱، ص ۲۸۹، ماده ابدال.
۱۶. غلامحسین مصاحب، دایرة المعارف فارسی، چاپ دوم: تهران، امیرکبیر، کتاب‌های جیبی، ج ۱، ص ۵، ماده ابدال.
۱۷. رک: فردوس الاخبار، ج ۲، ص ۸۴؛ حلیة الاولیاء، ج ۵، ص ۸؛ المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۲۲۴؛ به نقل از محمد جواد مروجی طی، «ابدال یا پیشکاران امام زمان(ع)»، موعود، سال دوازدهم، شماره ۸، فروردین ۱۳۸۷.
۱۸. المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۲۲۴؛ به نقل از همان.
۱۹. رک: بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳.
۲۰. رک: «ابدال یا پیشکاران امام زمان(ع)».
۲۱. لغت نامه (دهخدا)، ج ۱۴، ص ۲۲۳۴۵.
۲۲. سید جعفر سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، چاپ سوم: تهران، کومش، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۹۹۰.
۲۳. معارف و معاریف، ج ۱۰، ص ۷۸.
۲۴. رک: بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۰۱.
۲۵. لغت نامه (دهخدا)، ج ۱۰، ص ۱۵۰۲۶.
۲۶. سوره اعراف (۲۷)، آیه ۲۰۱.
۲۷. المصباح، ص ۵۳۵؛ همچنین رک: بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۰۱.
۲۸. همان.
۲۹. لغتنامه (دهخدا)، ج ۱۴، ص ۲۲۶۸۱ ماده نقیب؛ همچنین رک: معارف و معاریف، ج ۱۰، صص ۱۹۶ و ۱۹۷.
۳۰. لغت نامه (دهخدا)، ص ۲۲۶۵۴، ماده نقباء.
۳۱. محمد معین، فرهنگ فارسی، چاپ هشتم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۶۳۹.
۳۲. معارف و معاریف، ج ۵، ص ۶۲۸، همچنین رک: لغت نامه (دهخدا)، ج ۸، ص ۱۱۹۲۸، ماده رجال الغیب؛ فرهنگ معارف اسلامی، ج ۲، صص ۹۰۳ و ۹۰۴.